

نسیم ولایت (۱)

در محضر مبارک امام علی (علیه السلام)

نام: علی (ع).

کنیه: ابوالحسن، ابوتراب.

لقب: امیرالمؤمنین (ع)، مرتضی.

پدر: ابوطالب، عموی پیامبر (ص)، شخصی با ایمان و درست کردار و مدافع پیامبر (صلی الله علیه وآله) بود.^۱

مادر: فاطمه بنت اسد از طایفه قریش و دودمان بنی هاشم و دومین زن مسلمان.^۲

زمان ولادت: روز جمعه، ۱۳ رجب سال ۳۰ عام الفیل، (ده سال قبل از بعثت).

مکان ولادت: شهر مکه، درون کعبه^۳

نقش انگشتر: الملك لله الواحد القهار

اولاد امام علی (ع): ۲۸ فرزند پنج فرزند از فاطمه زهرا (علیها السلام)، و بقیه از زنان دیگر.^۴

آغاز امامت: ۲۸ صفر سال دهم هجرت، بعد از وفات پیامبر (ص).

مدت امامت: ۳۰ سال.

دوران خلافت: سال ۳۶ تا ۴۰ هـ ق (حدود ۴ سال و ۹ ماه).

زمان و مکان شهادت: شب ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری، در مسجد کوفه.

سبب شهادت: ضربت ابن ملجم مرادی (علیه العنة).

عمر شریف: ۶۳ سال.

مرقد شریف: نجف اشرف.

دوران ملازمت با پیامبر (ص): حدود ۲۳ سال.

۱ . محمد بن علی الصدوق، کمال الدین و تمام النعمه، (م ۳۸۱) ج ۱، ص ۱۷۱.

۲ . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید (م ۶۵۶)، ج ۱، ص ۱۴.

۳ . علامه امینی، الغدير، ج ۶، ص ۲۲.

۴ . شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۱۳۵.

دوران کناره‌گیری از دستگاه خلافت: حدود ۲۵ سال.

دوران خلافت: حدود ۴ سال و ۹ ماه.

شخصیت امیرالمومنین علی (علیه السلام)

به درستی که هر انسان منصفی بایک نگاه گذرا به شخصیت حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) زندگانی ایشان را سراسرتلاش و کوشش در راه خدا و خدمت به بندگان وی می بیند، و نقش وی را در تاریخ اسلام بی همتا می بیند، لذا می توان با قاطعیت گفت که سیره ی او نه تنها برای شیعیان و مسلمانان جهان، بلکه همه انسان ها در خور تأمل و شایان الهام گیری است؛ چرا که ابعاد وجودی آن بزرگوار، همه بشر؛ اعم از دوست و دشمن را، شیفته و مجذوب خود کرده است، در ذکر فضائل امام علی (علیه السلام) همین بس که در کعبه خدا ولادت یافت و در محراب عبادت به شهادت رسید.

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ما سوافکندی همه سایه هما را
دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من به خدا قسم خدا را
یکی از صفات برجسته علی (علیه السلام) عدل آن حضرت است که همین امر نیز سبب شهادتش گردید. او چنانچه می شنید فرماندارش به کسی ستم روا داشته، به عزل یا تفحص از حال او مبادرت می کرد و به احدی از نزدیکان خویش اجازه بهره برداری خصوصی از بیت المال را نمی داد.^۵

مرقد مطهر امام علی (ع)

وقتی حضرت امیرالمؤمنین (ع) در شب ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری توسط ابن ملجم شهید شد، امام حسن و امام حسین (ع) طبق دستور آن حضرت، پیکرش را شبانه و پنهانی تشییع کردند و در نجف به خاک سپردند تا خوارج نسبت به بدن مطهر او جسارت نکنند. بعدها امام سجاد (ع) به طور مخفیانه آن را زیارت می کرد، امام باقر (ع) در عهد بنی مروان از آن خبر دشت و گاهی به زیارت می رفت. و امام صادق (ع) در عصر عباسیان که چندین بار به عراق احضار شد، در مسیر راه، موضع قبر شریف را به یاران مخصوص که همراهش بودند، نشان می داد. و به تدریج برای همه جایگاه آن آشکار و محل زیارت و رفت و آمد گشت و در زمان هارون کاملاً از آن حالت پنهانی درآمد. سپس خود هارون دستور داد بقعه و بنایی بر فراز قبر امام علی (علیه السلام) استوار شد، و بعد از آن تا به

امروز مجموعه ای از بناهای باشکوه اطراف آستان قدس علوی (ع) ساخته شد، و در جوار مرقد منور و ملکوتی مولی الموحدين، (علیه السلام) ویا در قبرستان مقدس وادی السلام، عالمان بسیار بزرگ و سادات جلیل القدری آرمیده اند که ذکر همه موارد در این مختصر نوشته مقدور نیست.^۶

فضیلت زیارت امیرالمؤمنین (ع)

زیارت اولیاء خدا در اسلام، به ویژه در فرهنگ غنی تشیع، از جایگاه والایی برخوردار است. اولیای الهی و امامان معصوم (علیهم السلام) پیروان خود را دعوت به زیارت کرده اند و آن را از مستحبات اکید دینی شناخته اند. و پاداش فراوان برای «زائر» برشمرده اند.

به سند معتبر از مفضل نقل شده که گفت: خدمت امام صادق (ع) رسیدم و عرض کردم که من مشتاق نجف شده‌ام! فرمود: برای چه مشتاق شده‌ای؟
گفتم: می‌خواهم که امیرالمؤمنین (ع) را زیارت کنم.
فرمود: آیا فضیلت زیارت آن حضرت را می‌دانی؟
گفتم: نه - یا بن رسول الله - شما بفرمایید.

فرمود: بدان وقتی که امیرالمؤمنین (ع) را زیارت می‌کنی، در واقع، استخوان آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابیطالب (ع) را زیارت کرده‌ای.... به خدا قسم که در این مکان بعد از دو پدر پاکش - آدم و نوح - کسی گرمی‌تر از امیرالمؤمنین (ع) نزد خدا، ساکن نشده است. پس هر گاه به نجف می‌روی، استخوان آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابیطالب (ع) را زیارت کن و در واقع پدران گذشته را و محمد (ص) خاتم پیغمبران و علی بهترین اوصیا را زیارت کرده‌ای. و درهای آسمان برای زیارت کننده امیرالمؤمنین (ع) هنگام دعا گشوده می‌شود....^۷

و نیز امام صادق (ع) فرمود: «مَنْ زَارَ جَدِّي عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً مَقْبُولَةً وَ عُمْرَةً مَبْرُورَةً....»^۸ هر کس جدم امیرالمؤمنین (ع) را از روی معرفت زیارت کند، خداوند برای هر قدمش پاداش حج و عمره مقبول می‌نویسد و هر قدمی که - پیاده یا سواره - در راه زیارتش غبار آلود شود، به آتش دوزخ نمی‌سوزد. ای پسر مارد، این حدیث را با آب طلا بنویس.

^۶. مراجعه شود به تاریخ الشیعه، محمدحسین المظفری، ص ۹۴.

^۷. کامل الزیارات: ص ۳۸، باب ۱۰، ح ۲.

^۸. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۹۴ ح ۱.

أوقات ومتون زیارتی امیرالمؤمنین (ع)

شیخ عباس قمی در کتاب مفاتیح الجنان بعد از نقل زیارات مطلقه امیرالمؤمنین (ع) که در همه اوقات می شود با این زیارات حضرت را زیارت نمود از جمله زیارت آمین الله که بهترین و معتبرترین زیارات می باشد، زیارات مخصوصی را برای سه مناسبت زیر نیز برای امیرالمؤمنین (ع) می آورد که از اهمیت بیشتری برخوردار است:

۱- هیجدهم ذی حجه روز عید غدیر خم.

۲- هفدهم ربیع الأول روز ولادت نبی مکرم اسلام (ص).

۳- بیست و هفتم رجب مبعث پیامبر بزرگوار اسلام (ص).^۹

و بدان زائرگرمی از جمله بهترین زیارتنامه های وارد شده برای زیارت هر کدام از ائمه ی اهل بیت (ع) زیارت جامعه ی کبیره ی منقول از امام هادی (ع) است، که از لحاظ سند معتبر و متقن و از لحاظ محتوی و مفهوم در اوج و کمال معرفی خاندان گرمی پیامبری باشد، که اکثر کتب ادعیه و زیارت آن را نقل نمودند. این زیارتنامه رامی توان در هر زمان و مکانی بویژه مشاهد مشرفه ی معصومین خواند، و مداومت بر خواندن آن مورد تأکید علمای سلف صالح می باشد.^{۱۰}

معاونت امور فرهنگی

مدیریت تأمین محصولات فرهنگی

^۹. برای کسب اطلاع بیشتر به مفاتیح الجنان باب الزیارات. و به بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۳۸۳، مراجعه شود.

^{۱۰}. مراجعه شود به مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی، باب الزیارات.

نسیم ولایت (۲)

در محضر مبارک امام حسین (علیه السلام)

نام: «شُبیر» که به عربی «حسین» خوانده می شود.^{۱۱}

ولادت: سوم شعبان سال چهارم هجری در شهر مدینه.^{۱۲}

کنیه و لقب: کنیه «ابوعبدالله»، و ازلقاب مشهور آن حضرت السبط، وسید الشهداء.

پدر و مادر: پدر امام علی (ع)، و مادر فاطمه زهرا (س).

مدت امامت: ۱۱ سال.

نقش انگشتر: حسبى لله .

زمان و مکان شهادت: شنبه دهم محرم سال ۶۱ هـ. در کربلاء .

سبب شهادت: توسط شمر به دستور عمر بن سعد و یزید بن معاویه.

عمر شریف: ۵۸ سال، که ۷ سال اول آن با پیامبر (ص) بوده.

مرقد شریف: کربلاء

شخصیت امام حسین (علیه السلام)

زندگی امام حسین (علیه السلام) مانند جد، پدر، مادر و برادرش، مملو از جلوه های کمالات معنوی و فضایل اخلاقی انسان ساز است که در قالب ارتباط با خدا، جهاد فی سبیل الله، و معاشرت با مردم و برخورد با دشمنان خدا و اهل منکر بروز و ظهور کرده است و گرچه حافظه تاریخ در حد ظرفیت خود، قطرات کمی از آن اقیانوس بی کران کمالات و پرتو ضعیفی از آن انوار درخشان انسان کامل را ثبت و ضبط کرده است و بسیاری از حقایق زندگی آن حضرت همانند سایر معصومین (علیهم السلام) مخفی مانده است ولی همان مقدار از سیره علمی و عملی آن حضرت، اگر مورد توجه قرار

۱۱ . منتهی الآمال، ج ۱، ص ۵۲۳.

۱۲ . بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۰۱.

گیرد، الگویی کامل در سیر زندگی انسانی برای رسیدن به سعادت و رستگاری خواهد بود، که مادر اینجا فقط اشاره به سیره جهادی آن بزرگ مرد تاریخ جهاد و شهادت می پردازیم:

امام حسین(علیه السلام) اسوه جهاد و شهادت

بعد از مرگ معاویه، یزید خلافت را غصب کرد و از مسلمانان با نیرنگ و زور بیعت گرفت. امام حسین(علیه السلام) از بیعت با او خودداری کرد. آن حضرت در شامگاه ۲۸ رجب سال ۶۰ هجری از مدینه خارج و برای ادای مناسک حج به مکه وارد شد. خبر بیعت نکردن و نیز ورود آن حضرت به مکه به گوش مسلمانان، به ویژه مردم کوفه رسید. آنان نامه های بسیاری به امام نوشتند و از آن حضرت درخواست کردند تا به کوفه آمده، زمام امور را به دست گیرد و آنان متعهد شدند تا او را یاری کنند. حضرت، پسر عمو و نماینده خود مسلم بن عقیل را برای آزمایش وفاداری آنان به کوفه فرستاد ولی آنان او را تنها گذاشتند. امام در مکه احساس امنیت نکرد و در روز هشتم ذی حجه، مکه را به طرف عراق ترك کرد و بعد از طی منازل بسیار، در روز پنجشنبه، دوم ماه محرم سال ۶۱ هجری، به سرزمین کربلا رسید. سپاه یزید از شامیان و کوفیان راه را بر او بستند. آن شب پرستان در روز دهم ماه محرم، چنگال بر چهره آفتاب تابناک امامت زدند و خون پاك آن حضرت و ۷۲ یار باوفایش را بر زمین داغ کربلا ریختند، به خیال اینکه شهادت آن حضرت، رفع همه موانع بر سر راه دنیاگرایی و دنیاپرستی آنان است.

هدف قیام امام حسین(علیه السلام)، اصلاح جامعه اسلامی از وجود انواع فساد مالی، سیاسی، فرهنگی اجتماعی و دینی بود. آن حضرت خود در این زمینه می فرماید: «من از روی هوی و سرکشی و تبهکاری و ستمگری قیام نکردم. تنها انگیزه من، سامان بخشی به کار امت جدم رسول خداست، می خواهم به نیکی ها فرمان دهم و از بدی ها بازدارم و روش جدّ خود و پدرم علی بن ابی طالب(علیه السلام) را دنبال کنم.»^{۱۳}

گریه بر امام حسین(علیه السلام)

گریه بر حسین (علیه السلام) گریه پیوند و عهد و اعلان آمادگی درونی برای فرمانبری و اطاعت از آن حضرت است. ریختن اشک، اعلام وفاداری نسبت به اهداف مقدس حسین بن علی ابراز پیوند با مکتب و راه اوست. گریه برای حسین (علیه السلام) برای حسینی شدن است؛ چه اینکه، گریه زبان گویای دل، احساسات پاک، علایق و تمایلات درونی دوستدار حسین است که آن حضرت و راه او را با تمام وجود خواستار است.

زیارت و گریه، نوعی تبری و اعلان انزجار و تنفر از هرگونه منکر، نفاق، کفر و بدعت است؛ چرا که اشک بر سیدالشهدا و شهیدان بزرگ، اشتیاق به شهادت را به همراه دارد و خوی حماسه را در وجود انسان زنده می کند و در جامعه ای که افراد آن چنین باشند، جایی برای بدعت، کفر، نفاق و هرگونه انحراف نخواهد ماند.

گریه برای حسین (علیه السلام) دارای آثار فردی و اجتماعی بسیاری است که اهم آن موجب بخشش گناهان و دوری از جهنم و شادمانی در قیامت که در روایت ذیل آمده:

قال رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله): «يَا فَاطِمَةُ كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِلَّا عَيْنُ بَكْتِ عَلِيٍّ مُصَابِ الْحُسَيْنِ فَإِنَّهَا (ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ)»^{۱۴} «بَنَعِيمَ الْجَنَّةِ»^{۱۵}. «ای فاطمه، هر چشمی در روز قیامت گریان است، مگر چشمی که برای مصیبت حسین (علیه السلام) گریه کرده باشد که به وسیله نعمتهای بهشت خندان و شادمان خواهد بود.»

وقال الإمام الرضا (عليه السلام): «فَعَلَيْ مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ، فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ...»^{۱۶} «برای مثل حسین (علیه السلام) باید گریه کنندگان گریه کنند؛ چرا که گریه بر آن حضرت، گناهان بزرگ را محو می کند.»

فضیلت زیارت امام حسین (ع)

ابراز محبت به اولیای الهی، اعلام بیعت و اطاعت از رهبران آسمانی، نمایش همفکری و همراهی زائران با زیارت شوندگان و خفتگان در آستان های ملکوتی، بخشی از انگیزه های زیارت است.

۱۴. عبس: ۳۹.

۱۵. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۹۳.

۱۶. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۸۴.

زائران، با حضور در مزار و محضر امامان و امامزادگان، خود را در دریای رحمت و محبت الهی شناور احساس می کنند و گویا با زیارت، گرد و غبار خستگی و ناپاکی را از روح و روان خویش می شویند و احساس طهارت و نشاط و صفا و امید بیشتر می کند.

معصومان (علیهم السلام) بر زیارت، گریه، احیا و بزرگداشت بزرگان دین اسلام بویژه امام حسین (علیه السلام) بسیار تأکید کرده اند؛ چه اینکه، عاشورا و محرم، مشعلی است فروزان بر سر راه تمام آزادی خواهان و حق طلبان و نماد و مظهری است جاودانه برای ظلم ستیزان و عدالت خواهان، که هرکس این ارتباط را با تفکر و تأمل برقرار کند، به اهداف عالی محرم و عاشورا بیشتر نزدیک شده است.

در مفاتیح الجنان به تفصیل درمورد فضیلت زیارت امام حسین (علیه السلام) ذکر شده، از جمله آنکه، زیارت آن حضرت معادل حج، عمره، جهاد در راه خدا، باعث مغفرت و اجابت دعاها، موجب طول عمر، حفظ بدن از بلاها و زیادی روزی، رفع غم و آموزش گناهان و... می شود.^{۱۷}

اوقات و متون زیارتی امام حسین (ع)

شب و روز جمعه، روز عاشورا، اول و نیمه ماه رجب، شب نیمه شعبان، شبهای قدر، عید فطر و عید قربان، روز عرفه، روز مباهله (۲۴ ذی حجه)^{۱۸}.

از جمله مهمترین متون زیارتی امام حسین (ع) را می توان زیارت عاشوراء، اربعین، وارث و زیارت رجبیه و شعبانیه و روز عرفه ذکر نمود، که در مفاتیح الجنان و دیگر کتب ادعیه و زیارات به صورت مفصّل بیان شده می توانید مراجعه فرمائید.

مراقدهای شهدای کربلاء

تمامی شهیدان کربلا، به جز حبیب بن مظاهر، حضرت ابوالفضل، حبرن یزید ریاحی در نزدیکی قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) به خاک سپرده شده اند و قبرهای آنان در سمت جنوب شرقی ضریح امام حسین (علیه السلام)، به فاصله چند متری آن قرار دارد.

۱۷. مفاتیح الجنان، باب زیارات، زیارت امام حسین (علیه السلام).

۱۸. کامل زیارات، باب ۷۰ تا ۷۴، ص ۱۸۶ تا ۲۰۱.

محل دفن جوان شجاع و دلاور امام حسین (علیه السلام) در پایین پای آن حضرت است. و مزار شهیدان بنی هاشم در کنار مزار علی اکبر و پایین پای مبارک امام حسین (علیه السلام) قرار دارند.^{۱۹}

آرامگاه باصفای دوطفل حضرت مسلم به نام های محمد و ابراهیم نیز در ۴۰ کیلومتری شمال شرقی کربلا، درمیانه بزرگراه بغداد - کربلا در کنار شهر «مُسیَّب» قرار دارد.

معاونت امور فرهنگی

مدیریت تأمین محصولات فرهنگی

نسب و ولایت (۳)

در محضر مبارک امام کاظم (علیه السلام)

نام: موسی (ع).

کنیه: ابوالحسن اول^{۲۰}.

لقب: عبد صالح، کاظم، باب الحوائج، صابر.

پدر و مادر: پدر امام صادق (ع)، و مادر حُمَیده.

زمان ولادت: صبح روز یکشنبه، ۷ صفر سال ۱۲۸ هجری قمری.

مکان ولادت: روستای «ابواء واقع در بین مکه و مدینه.

نقش انگشتر: الملك لله وحده.

اولاد: ۳۷ فرزند.

آغاز امامت: در سن ۲۰ سالگی.

مدت امامت: ۳۵ سال.

زمان و مکان شهادت: ۲۵ رجب سال ۱۸۳ ه. ق. در زندان هارون، بغداد.

سبب شهادت: زهر، توسط هارون الرشید.

عمر: ۵۵ سال.

مرقد شریف: کاظمین.

دوران عمر: دو بخش:

۱- دوران قبل از امامت، از سال ۱۲۸ تا ۱۴۸ هجری قمری (۲۰ سال).

۲- دوران بعد از امامت، از سال ۱۴۸ تا ۱۸۳ (۳۵ سال).

امام موسی کاظم (علیه السلام) در زندان هارون

حدود ده سال از امامت امام موسی کاظم (علیه السلام) در عصر خلافت منصور، ده سال در عصر خلافت مهدی عباسی، یک سال در عصر خلافت هادی عباسی و پانزده سال در عصر خلافت هارون واقع شد، که در سال ۱۷۹ ق، براساس دستور هارون، امام موسی

^{۲۰}. از حضرت رضا (ع) به ابوالحسن الثانی و از حضرت هادی (ع) به ابوالحسن الثالث.

کاظم (علیه السلام)، از مدینه به بغداد آمد و در آن شهر زندانی شد و سپس در ۱۸۳ ق به دستور خلیفه توسط زندان بان، سندی بن شاهک، مسموم شد و به شهادت رسید. ایشان را در همان مقابر قریش، مکانی که خود قبل از آن خریده بود، به خاک سپردند.

با نظر امام جواد (علیه السلام) و به دستور مأمون بر روی مرقد امام کاظم (علیه السلام) بقعه ای ساختند.^{۲۱} و بعدها خود امام جواد (علیه السلام) که در سال ۲۲۰ ق به دستور معتصم عباسی و توسط ام الفضل، دختر مأمون، که عنوان همسری آن حضرت را داشت، مسموم و شهید شد، و در جوار قبر جدشان، امام موسی بن جعفر (علیه السلام) دفن کردند.^{۲۲} و بر قبر آن دو بزرگوار بقعه و عمارتی بنا کردند و آن را کاظمیه نامیدند. از آن پس مقابر قریش نام خود را به کاظمیه تغییر داد. در کنار این بقعه، مسجدی به نام مسجد باب التبن یا مسجد کاظمیه قرار داشت که شیعیان از داخل این مسجد قبر آن دو امام را زیارت می کردند و به همین سبب بقعه امامین به مشهد باب التبن نیز معروف شد.^{۲۳}

فضیلت زیارت امام موسی کاظم (ع)

ابراز محبت به اولیای الهی، اعلام بیعت و اطاعت از رهبران آسمانی، نمایش همفکری و همراهی زائران با زیارت شونندگان و خفتگان در آستان های ملکوتی، بخشی از انگیزه های زیارت است.

در فضیلت زیارت امام موسی کاظم (ع)، روایات زیادی وارد شده است که به بعضی از آنها اشاره می شود:

- ۱- زیارت امام موسی بن جعفر (ع) مثل زیارت رسول الله (ع) است و هر کس او را زیارت کند مثل آن است که رسول الله (ع) و امیر مؤمنان (ع) و امام حسین (ع) را زیارت کرده است.
- ۲- ابن شهر آشوب از خطیب بغدادی (صاحب تاریخ بغداد) از علی بن خلیل نقل می کند که گفت: هیچ مشکلی برای من پیش نیامد مگر این که با پناه بردن به قبر مطهر موسی بن جعفر (ع) و توسل به آن حضرت، خداوند آن را برایم گشود و بر من آسان کرد.

۲۱. فیض، تاریخ کاظمین و بغداد، ص ۳۰.

۲۲. حسینی الجلالی، مزارات اهل البیت و تاریخهما، ص ۱۱۴.

۲۳. دایرة المعارف تشیع، ج ۱ ص ۱۰۷.

زیارت مختص امام موسی کاظم (ع)

از سید بن طاووس نقل شده است که وقتی خواستی آن حضرت را زیارت نمایی سزاوار است که غسل کنی، سپس با آرامش و وقار به سمت حرم روانه شو.

وقتی به در حرم رسیدی بایست و بگو: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هِدَايَتِهِ لِدِينِهِ وَ التَّوْفِيقِ لِمَا دَعَا إِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ، اَللّهُمَّ اِنَّكَ اَكْرَمُ مَقْصُودٍ، وَ اَكْرَمُ مَأْتِيٍّ وَ قَدْ اَتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا اِلَيْكَ بِابْنِ بَنْتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى اَبَائِهِ الطَّاهِرِينَ وَ اَبْنَائِهِ الطَّيِّبِينَ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تُخَيِّبْ سَعْيِي وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي وَ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنْ الْمُقَرَّبِينَ.

و به هنگام ورود بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ.

معاونت امور فرهنگی

مدیریت تأمین محصولات فرهنگی

نسب و ولایت (۴)

در محضر مبارک امام جواد (علیه السلام)

نام: محمد (ع)

کنیه: ابوجعفر ثانی تا از ابوجعفر اوّل (امام محمد باقر (ع) متمایز گردد.

لقب: تقی، جواد، زکی، مرتضی، قانع، و...

پدر و مادر: پدر امام رضا (ع)، مادر خیزران.

زمان و مکان ولادت: جمعه ۱۰ رجب سال ۱۹۵ هـ.ق. در مدینه.

نقش انگشتر: نعم القادر الله

اولاد: ۴ فرزند

آغاز امامت: سال ۲۰۳ هـ.ق در سن خردسالی ۸ سالگی.

مدت امامت: ۱۷ سال

زمان شهادت: آخر دی قعه سال ۲۲۰ هجری

مکان شهادت: بغداد

سبب شهادت: زهر، توسط معتصم عباسی (علیه اللعنة)

عمر: ۲۵ سال و چند ماه، وی جوانترین امامی بود که شهید گردید

دوران عمر: هشت سال قبل از امامت و ۱۷ سال دوران امامت که مصادف بود با

حکومت مأمون و معتصم.

مرقد مطهر: کاظمین، در جوار قبر جدّ بزرگوارش موسی بن جعفر (ع)، که وصف آن در

برشور مربوط به امام کاظم (ع) گذشت.

جانشینی و امامت امام جواد (علیه السلام)

حضرت امام رضا (علیه السلام) در سال ۲۰۳ هجری به شهادت رسید. در این زمان،

حضرت امام جواد (علیه السلام) هشت ساله بود. امام رضا (علیه السلام) بر جانشینی و امامت حضرت

امام محمدتقی (علیه السلام) تصریح کرد و در پاسخ به اشکال برخی، در مورد خردسالی ایشان فرمود: زمانی که خدای تعالی عیسی را به پیامبری برگزید، سنّش کمتر از فرزند من بود.^{۲۴}

برخی از شیعیان، بعد از شهادت امام رضا (علیه السلام) پنداشتند برادر ایشان (عبدالله بن موسی) امام و رهبر الهی است. پس به سوی او شتافتند و برای حصول اطمینان، از وی مسائلی پرسیدند و چون او در پاسخ درماند، از دورش پراکنده شدند.^{۲۵}

و سرانجام اکثریت شیعه، امامت حضرت جواد (علیه السلام) را پذیرفتند؛ زیرا علاوه بر وجود نصّ پیامبر (صلی الله علیه وآله) و تصریح و وصیت امام رضا (علیه السلام) بر امامت آن حضرت، شیعیان هر سؤالی می پرسیدند امام با سرعت و دقت، جواب کامل و کافی می داد.

امام جواد (علیه السلام) و یحیی بن اکثم

بعد از آنکه مأمون، خلیفه عباسی، از خراسان (طوس) به بغداد رفت و مرکز حکومتش را آنجا قرار داد، برای آنکه امام جواد (علیه السلام) را تحت نظر و کنترل خود داشته باشد، وی را از مدینه به بغداد فراخواند. امام ناگزیر پذیرفت. بعد از چند روز، مأمون دختر خود امّ الفضل را به امام جواد (علیه السلام) به عنوان ازدواج معرفی کرد. امام پاسخی نداد. مأمون، سکوت را علامت رضایت شمرد و دستور داد مقدمات جشن ازدواج فراهم گردد. برخی از عباسیان که از نقشه و نیرنگ سیاسی مأمون بی خبر بودند و یا با تبانی با خود مأمون، فریاد اعتراض را بلند کردند که آیا می خواهی حکومت را به علویان واگذاری؟! ما هرگز اجازه چنین عملی را نخواهیم داد! و زمانی که مأمون از آنان علت را پرسید، پاسخ دادند: این شخص (امام جواد (علیه السلام)) خردسال است و چیزی نمی داند! مأمون پاسخ داد:

«شما اینها را نمی شناسید! كوچك آنها مانند بزرگشان، دانا و دانشمند است. اگر نظر مرا نمی پذیرید؛ آزمایش آسان است. دانشمندی برگزینید تا با او بحث و گفتگو کند و درستی سخن من برای شما آشکار گردد.»

عباسیان، یحیی بن اکثم را برگزیدند که دانشمندی مشهور و قاضی القضاات آن عصر بود و در اداره امور مملکت نقش مهمّی داشت. جلسه ای تشکیل شد و در آن گروهی از مردم و عباسیان حاضر

۲۴ . الارشاد، ج ۲، ص ۲۶۶؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۲۰۳

۲۵ . استاد عطاردی، مسندالامام الجواد، ص ۲۹.

شدند. یحیی از مأمون اجازه خواست، اما مأمون گفت: از او (امام جواد(علیه السلام)) اجازه بگیر. وقتی یحیی بن اکثم از امام اجازه خواست، امام فرمود: هر چه می خواهی پرس... او پرسید و امام جواب قانع کننده داد، مأمون بعد از شنیدن پاسخ های امام، اظهار شادمانی کرد و آفرین و احسنت گفت و با خوشحالی رو به حاضران کرد و پرسید: آیا در میان شما کسی هست که بتواند اینگونه پاسخ دهد؟! حاضران گفتند: نه، هرگز. امیر مؤمنان بهتر می داند. سپس مأمون افزود:

«وای بر شما! این خاندان برگزیدگانند و اختصاص به فضیلت و کمال دارند و خردسالی مانع کمال آنها نمی شود. آیا نمی دانید که رسول الله(صلی الله علیه و آله) دعوتش را با دعوت از امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) آغاز کرد، در حالی که او ده ساله بود؟! و اسلام او را در آن سن پذیرفت و هیچ کس دیگری را در آن سن و سال به اسلام دعوت نکرد و با حسن و حسین(علیهما السلام) بیعت کرد در حالی که آنان کمتر از شش سال داشتند و با هیچ کودک دیگری بیعت نکرد، پس آیا الآن نمی دانید که این اختصاص الهی است که نسبت به این خاندان صورت گرفته است؟! پس حاضران تصدیق کردند.»^{۲۶}

پندهای آموزنده از امام جواد(علیه السلام)

قال الإمام الجواد(علیه السلام): «الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ وَاعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ وَ قَبُولٍ مِنْ مَنْ يَنْصَحُهُ». «مؤمن نیازمند سه صفت است؛ توفیقی از جانب خدا و واعظی از طرف خودش و پذیرش نصیحت خیر خواهان.»^{۲۷} ، وقال(علیه السلام) «مَنْ أَصْغَى إِلَيَّ نَاطِقٌ فَقَدْ عَبْدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ فَقَدْ عَبْدَ اللَّهَ وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ يَنْطِقُ عَنْ لِسَانِ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبْدَ إِبْلِيسَ». «کسی که به سخنرانی شخصی گوش دهد، او را عبادت کرده است، پس اگر گوینده از خدا بگوید او خدا را پرستیده است و اگر گوینده از زبان ابلیس بگوید، پس او ابلیس را پرستیده است.»^{۲۸}

۲۶ . شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، صص ۲۷۷ - ۲۶۹ ؛ بحار الأنوار، ج ۵۰ ، صص ۷۷ - ۷۵

۲۷ . مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۲۹ ؛ تحف العقول، ص ۳۳۷

۲۸ . مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۰۸.

وقال (عليه السلام) «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِطَلَاقِهِ الْوَجْهِ وَحُسْنِ اللَّقَاءِ». «شما

نمی توانید با اموال خود همه مردم را پوشش دهید پس با گشاده رویی و خوش برخوردی، همگان را مشمول لطف خود قرار دهید.»^{۲۹}

معاونت امور فرهنگی

مدیریت تأمین محصولات فرهنگی

نسیم ولایت (۵)

در محضر مبارک امام هادی (علیه السلام)

نام: علی (ع)

کنیه: ابوالحسن الثالث.^{۳۰}

لقب: هادی مشهورترین لقب امام است .

پدر و مادر: پدر امام جواد (ع)، مادر سمانه معروف به سیده و امّ الفضل.^{۳۱}

زمان و مکان ولادت: ۱۵ ذی حجه سال ۲۱۲ ق. در روستای «صریاء» از توابع مدینه.^{۳۲}

نقش انگشتر: الله ربّي و هو عصمتي من خلقه.^{۳۳}

اولاد: ۵ فرزند.

مدت امامت: ۳۳ سال.

زمان شهادت: دوشنبه ۳ رجب سال ۲۵۴ هجری.

مکان شهادت: سامراء.

سبب شهادت: زهر، توسط معتمد یا معتزّ .

عمر: ۴۲ سال.

دوران عمر: ۸ سال قبل از امامت (از ذیحجه سال ۲۱۲ تا ۲۲۰ هـ. ق)، و ۳۴ سال دوران

امامت.

مرقد شریف: سامراء.

مرقد و آستان مقدس امام هادی

۳۰ . کنیه امام کاظم و امام رضا (علیهما السلام) نیز ابوالحسن است، برای تمییز بین این سه امام، به (امام هادی) ابوالحسن سوم می گویند.

۳۱ . منتخب التواریخ، ص ۷۰۴.

۳۲ . تاریخ ولادت آن حضرت را برخی ۲۷ ذیحجه، گروهی و عده ای در ماه رجب می دانند.

۳۳ . اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۷؛ لمحات من حیاة الامام الهادی، ص ۹.

بقعه و آستان عسکریین، امام هادی و امام حسن عسکری سلام الله علیهما، شهر تاریخی سامراء را در تاریخ به عنوان شهر مذهبی ثبت کرده است. امام هادی (علیه السلام) در عصر متوکل، براساس اجبار او، در ۲۴۳ ق از مدینه رهسپار سامراء شد. بیست سال و نه ماه در سامراء اقامت کرد و سرانجام، در روز چهارشنبه ۲۶ جمادی الآخر ۲۵۴ در منزل خود، کوی معروف به «شارع ابواحمد»، از دنیا رفت. و در همان خانه شان به خاک سپردند. این خانه را امام هادی از فرزند يك نصرانی خریده بود و بسیار بزرگ و وسیع بود. براساس منابع، پیکر آن بزرگوار را وسط حیاط خانه اش دفن کردند و چندی بعد فرزندش، حسن بن علی ملقب به عسکری (ف ۲۶۰ ق) را در کنار قبر او به خاک سپردند.^{۳۴}

توسط ناصر الدوله حمدانی شیعی، برادر سیف الدوله، برای قبر این دو بزرگوار قبه ای ساخته شد. از دیگر پادشاهان آل بویه که در این راه منشأ اثر شده اند می توان معزالدوله را نام برد. او در ۳۳۷ ق گنبد و صحنی برای حرم ساخت^{۳۵} عضد الدوله دیلمی در ۳۶۸ ق، در تزیین و تجهیز حرم عسکریین نیز تلاش های بسزایی کرد.^{۳۶}

امام هادی (علیه السلام) از مدینه تا سامرا

دوران زندگانی امام هادی (علیه السلام) با خلافت معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز مقارن بود. و بیشترین عمر (علیه السلام) امام در زمان متوکل گذشت و آن بزرگوار سختی های فراوانی در این ۱۴ سال تحمل کرد. متوکل عباسی همان روش پدران خود را در کنترل اهل بیت به اجرا گذاشت و طی نامه ای امام را به بغداد احضار کرد تا بتواند آن حضرت را دقیق تر تحت کنترل بگیرد. امام که از نیت پلید متوکل آگاه بود، با اکراه و اجبار تن به این سفر داد؛ چنانکه فحام از منصوری از عموی پدرش نقل می کند که امام هادی به من فرمود: «ابوموسی! من به اجبار و ناخواسته به سامرا آورده شدم.»

۳۴. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ۵۱۳/۱.

۳۵. میلانی، عتبات عالیات عراق، ۱۷۶.

۳۶. موسوی الزنجانی، جوله فی اماکن المقدسه، ۱۲۵.

تبعید امام علی بن محمد (علیهما السلام) در سال ۲۳۴ ق. اتفاق افتاد و آن حضرت بیست سال و اندی در سامرا به سر برد.^{۳۷}

اذیت و آزار امام هادی (علیه السلام)

از امام هادی (علیه السلام) نزد متوکل سعایت شد که در خانه سلاح و اموال زیادی دارد و آنها از شیعیانش در قم به او رسیده است.

متوکل گروهی از نظامیان ترك را مأمور بازرسی منزل امام کرد. آنان شبانه به خانه امام یورش بردند و منزلش را تفتیش، سپس دستگیر کردند و نزد متوکل آوردند. متوکل جام شراب را به امام تعارف کرد. امام فرمود: «مرا معذور بدار، سوگند به خدا گوشت و خون من هرگز به شراب آلوده نشده است». متوکل دست برداشت و گفت پس شعری بخوان. امام فرمود: «من کمتر شعر می خوانم» گفت: باید بخوانی. امام اشعار ذیل را خواند:

بَاتُوا عَلَي قُلُلِ الْأَجْبَالِ تَحْرِسُهُمْ ××× غُلِبَ الرِّجَالُ فَمَا أَغْتَنَّهُم الْقُلُلُ^{۳۸}

«بر بلندای کوهساران، شب را به صبح آوردند، در حالی که مردان نیرومند از آنان نگهبانی می کردند.

سرانجام پس از دوران شکوه و عزّت، از جایگاه های خویش به زیر کشیده شد و در گودال ها (قبرها) نهاده شدند و چه جای بد و ناپسندی منزل گزیدند.

پس از آنکه به خاک سپرده شدند، فریادگری فریاد برآورد: کجاست آن دستبندها و تاج ها و زیورآلات و لباس های فاخر؟! کجاست آن چهره های نازپرورده و پرده نشین؟!

قبر به جای ایشان پاسخ داد: بر آن چهره ها، هم اکنون کرم ها راه می روند. در طول زمان چه بسیار خوردند و آشامیدند ولی هم اکنون پس از آن همه خوردنها، خود خورده شدند.»

اشعار امام بزم خلیفه را دگرگون ساخت و حاضران را تحت تأثیر عمیق قرار داد.^{۳۹}

زیارت حرم حسینی

۳۷ . بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۱۶۱؛ دهمین خورشید امامت، امام هادی، ص ۶۶.

۳۸ . بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۳۹ . بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۱۱ و ۲۱۲؛ اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۸.

ابوهاشم جعفری می گوید: همراه محمدبن حمزه به عیادت امام هادی (علیه السلام) - که بیمار بود - رفتیم. امام فرمود: با مال من گروهی را به «حائر حسینی» بفرستید (تا برای شفای من دعا کنند) ما از نزد امام خارج شدیم. محمدبن حمزه گفت: ما را به حرم امام حسین می فرستد در حالی که خود او (در شأن و مرتبت) همچون صاحب حرم است! برگشتم و سخن او را با امام در میان گذاشتم. فرمود: مطلب آنگونه که او می پندارد، نیست. خداوند جایگاه هایی دارد که دوست دارد در آن جایگاه ها عبادت شود و «حائر حسینی» از جمله این مکانها است.^{۴۰}

زمینه سازی غیبت

در روایتی، عبدالعظیم حسنی، عقاید خود را به امام هادی (علیه السلام) عرضه می داشت. نام یکایک امامان را برد و چون به امام هادی رسید درنگ نمود، امام سخن وی را پی گرفت و فرمود: «پس از من حسن است، پس مردم با جانشین او چگونه خواهند بود؟ عبدالعظیم پرسید؟ چگونه سرورم؟ فرمود: زیرا او دیده نمی شود و جایز هم نیست نام او برده شود تا زمانی که قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همان سان که از ظلم و جور پر شده است.»^{۴۱}

شهادت امام هادی (علیه السلام)

امام هادی (علیه السلام) هفت سال پس از متوکل زنده بود و در این دوران، فشار دستگاه خلافت نسبت به آن حضرت کمتر شد. امام (علیه السلام) در میان مخالفان حکومت عباسی شناخته شده بود. لذا معتز در صدد قتل او برآمد و مسمومش کرد.

روز دوشنبه بیست و پنجم جمادی الاخر سال ۲۵۴ ق. بود که زهر در بدن حضرت اثر گذاشت و رو به سمت قبله سوره هایی از قرآن را تلاوت کرد و به امامت امام حسن عسکری تصریح و به آن حضرت وصیت نمود که او عهده دار مراسم کفن و دفنش گردد و بر بدنش نماز بگزارد و در خانه خود او را دفن نماید.^{۴۲}

۴۰. ابن قولویه، کامل الزیارات، باب ۹۰، ص ۲۷۳.

۴۱. کمال الدین، ج ۲، صص ۳۷۹ و ۳۸۰.

۴۲. اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۹؛ تحلیلی از زندگانی امام هادی، ص ۴۸۶.

وسرانجام، امام هادی(علیه السلام) پس از ۳۳ سال امامت و ۴۱ سال و اندی زندگی، چشم از دنیا فرو بست.^{۴۳}

زیارت جامعه کبیره

زیارت جامعه کبیره از مشهورترین زیارتنامه های ائمه اطهار(علیهم السلام) از امام هادی(علیه السلام) نقل شده است. امام در این زیارت، به معرفی جایگاه و شناسایی ابعاد وجودی امامان در نظام آفرینش و نقش هدایتگر آنان در به کمال رساندن استعدادها و سیراب کردن تشنگان از سرچشمه های زلال معرفت و دانش پرداخته و در بیانی ژرف و قالبی رسا و عارفانه از گوشه هایی از اسرار نهفته امامت پرده برداشت و تنها راه سعادت و دستیابی به کمال را در پیروی از آنان و چنگ زدن به ریسمان محبتشان و کناره گیری و بیزاری از دشمنانشان دانسته است.

دعا در حرم امام هادی (ع)

شیخ طوسی در «امالی» نقل می کند: شخصی خدمت امام هادی (ع) عرض کرد: ای آقای من! دعایی به من بیاموز که از طریق آن به خدای عزوجل نزدیک شوم، فرمود: دعایی که الان برایست نقل می کنم دعایی است که بسیاری از اوقات با آن خدا را می خوانم و از خداوند عزوجل خواسته ام کسی که در حرم من این دعا را بخواند، مأیوس برنگردد؛ دعا این است: «یا عُدَّتِي عِنْدَ الْعُدَدِ، وَ یا رَجَائِي وَ الْمُعْتَمِدِ، وَ یا كَهْفِي وَ السِّنْدِ، یا وَاَحَدُ یا أَحَدُ، وَ یا قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ، أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ لَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا صَلِّ عَلَى جَمَاعَتِهِمْ، وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا». به جای «وافعل بی کذا و کذا» حاجتش را بخواهد.

معاونت امور فرهنگی

مدیریت تأمین محصولات فرهنگی

نسب و ولایت (۶)

در محضر مبارک امام حسن عسکری (علیه السلام)

نام: حسن (ع).

کنیه: ابو محمد.

لقب: عسکری مشهورترین لقب آن امام است.^{۴۴}

پدر و مادر: امام هادی (ع) و سلیل (سوسن، حُدَیث)^{۴۵}

زمان و مکان ولادت: روز جمعه هشتم ماه ربیع الثانی سال ۲۳۲ ق، مدینه منوره.^{۴۶}

نقش انگشتر: انالله شهید.

اولاد: ۱ فرزند.

مدت امامت: ۶ سال.

زمان و مکان شهادت: جمعه ۸ ربیع الأول سال ۲۶۰ ق، سامراء

سبب شهادت: زهرمعتد عباسی .

عمر شریف: ۲۸ سال .

دوران عمر: (۲۲ سال) قبل از امامت از سال ۲۳۲ تا ۲۵۴ هـ. ق، دوران امامت (۶ سال).

مرقد مطهر: سامرا، که وصف آن در برشور مربوط به امام هادی گذشت .

امام حسن عسکری (علیه السلام) و مسأله مهدویت

خلفای بنی عباس با استفاده به روایات نبوی (صلی الله علیه وآله) خوب می دانستند که از امام حسن عسکری (علیه السلام) فرزندی متولد شده، ظلم و جور را برخواهد چید و او همان قائم آل محمد (عج) است. از این رو پیوسته مراقب وضع زندگی آن حضرت بودند و

۴۴ . چون در شهر سامرا، در اردوگاه نظامی تحت نظر خایفه ی عباسی می زیست به عسکری ملقب شد. (بحار الأنوار،

ج ۵۰، ص ۱۱۳ ج ۳۶، ص ۳۱۲).

۴۵ . کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۹۷؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۰۱ و...

۴۶ . الارشاد، ج ۲، ص ۳۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۵، ص ۲۳۵؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۰۱.

به طور جدی اخبار منزل آن حضرت را بررسی می کردند تا اگر فرزندی متولد شد، آن را از بین ببرند.

از جمله اقدامات ستمگرانه حاکمان عباسی، تحت تعقیب قرار دادن شیعیان و کسانی بود که به نحوی می خواستند با امام حسن عسکری (علیه السلام) رابطه برقرار کنند. از این رو دوستان و شیعیان، به سختی می توانستند با آن حضرت در تماس باشند.^{۴۷}

پافشاری امام حسن عسکری (علیه السلام) در راه حق و عدالت و سازش ناپذیری آن حضرت با خلفای ستمگر عباسی، همواره موجب کینه توزی و شدت عمل آنان نسبت به آن حضرت می شد. از همین رو، آن حضرت را بارها زندانی کردند. ک بار آن حضرت در زندان «عزیر» از وابستگان ظالم خلفای عباسی محبوس شد. او بر امام سخت می گرفت و آزار می رساند؛ روزی زن عزیر به او گفت:

«از خدا بترس، تو نمی دانی چه شخصی در منزل توست! (آن زن عبادت و شایستگی امام را بیان کرد) و گفت: از ستمی که بر او روا می داری بر تو می ترسم. عزیر گفت: به خدا قسم او را در میان درندگان می افکنم. او پس از آنکه از مقامات بالا اجازه گرفت، امام را به میان درندگان افکند و شکی نداشت که درندگان، آن حضرت را هلاک می کنند، اما وقتی به سراغ امام آمد او را سالم یافت در حالی که مشغول نماز بود و درندگان اطراف او را گرفته بودند؛ از این رو دستور داد تا آن حضرت را به زندان برگردانند.»^{۴۸}

وصایای امام عسکری (علیه السلام) به شیعیان

«شما را به تقوای الهی، پرهیزگاری در دین، کوشش در راه خدا، راستگویی، ادای امانت به آنکه چیزی به شما سپرده است؛ خواه نیکوکار باشد و خواه بدکار، طول دادن سجده ها و رفتار خوب با همسایگان - که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بدان مبعوث شده است - سفارش می کنم. در میان جماعت آنان (اهل سنت)، نماز بخوانید، مردگان آنها را تشییع کنید، از بیمارانشان عیادت کنید و حقوق آنان را بپردازید.

۴۷ . سيرة الائمة الاثنی عشر، ج ۲، ص ۵۱۴.

۴۸ . الارشاد، ج ۲، ص ۳۳۴.

هنگامی که کسی از شما در دین پرهیزگار باشد، در گفته هایش راست بگوید، امانتداری درستکار باشد و با مردم خوش خلقی کند، می گویند: او شیعه است و این مرا خشنود می کند.

از خدا بترسید و زینت ما باشید نه خار چشم ما، هر نیکی را به سمت ما آورید و هر زشتی را از ما دور کنید. هر خوبی که گفته می شود، در ماست و هر بدی که به ما نسبت داده می شود ما از آن دور هستیم. حق ما در کتاب خداوند، مخصوص و پیوند ما با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آشکار و طهارت ما به وسیله پروردگار، عیان است. (به طوری که) کسی جز ما نمی تواند چنین ادعایی کند مگر دروغگو. همواره نام خدا را به یاد آورید و مرگ را فراموش نکنید. پیوسته قرآن بخوانید و بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) صلوات بفرستید که صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه وآله)، ده حسنه دارد. وصایای مرا حفظ کنید. شما را به خدا می سپارم و به شما سلام می رسانم.»^{۴۹}

فضیلت زیارت امام عسکری (سلام علیها)

مرحوم شیخ طوسی، از ابوهاشم جعفری، از امام حسن عسکری (ع) نقل می کند که فرمود: قبر من در «سرّ من رأی» امان (از بلاها و عذاب الهی) برای هر دو گروه است. (منظور دو گروه شیعه و اهل سنت که در آن جا ساکن هستند)

معاونت امور فرهنگی

مدیریت تأمین محصولات فرهنگی

نسیم ولایت (۷)

در محضر مبارک ابو الفضل العباس (علیه السلام)

نام: عباس (ع) .

کنیه: ابوالفضل (ابوفاضل) .

لقب: قمر بنی هاشم، سقا، باب الحوائج .

پدر و مادر: امام علی (ع) و فاطمه معروف به (أم البنین) .

زمان ولادت: چهارم شعبان سال ۲۶ هجرت .

مکان ولادت: مدینه .

اولاد: ۴ پسر و یک دختر .

زمان و مکان شهادت: روز عاشورای سال ۶۱ هجری، در کربلاء .

سبب شهادت: جنگ با لشکر یزید بن معاویه .

عمر: ۳۴ سال

مرقد شریف: کربلا .

شخصیت کامل ابوالفضل (علیه السلام)

شخصیت کامل ابوالفضل (علیه السلام) که جامع تمام فضایل و مناقب اخلاقی بود، این فرصت را به وی داد که بتواند در وضعیت بسیار حساس و سرنوشت ساز و واقعه عاشورا تصمیم صحیح، به جا و به موقع بگیرد و همچنان در صراط مستقیم پایدار بماند. او وقتی آهنگ حرکت کاروان امام حسین (علیه السلام) از مدینه به مکه و کربلا را طنین انداز دید، بی درنگ، جزو اولین کسانی بود که به این کاروان پیوستند. علاوه، سه تن از برادرانش: عبدالله، جعفر و عثمان را هم با خود به همراه آورد. مقام عصمت را در جاتی است که حد اعلی و اتم و اکمل آن، اختصاص به انبیاء و حضرات ۱۴ معصوم (س) دارد که عصمت ذاتی و کبری دارند و مراحل پس از آن را نیز برخی از بزرگان دین، نظیر امامزادگان عظیم الشان مانند: حضرت زینب و حضرت معصومه و حضرت علی اکبر (ع) دارا هستند و

معصوم به عصمت صغری می‌باشند. یکی از شخصیت‌های ممتازی که به مراحل عالی از کمالات الهی رسیده و در رتبه و مقام، آن چنان برتری یافته که برخی احکام و آداب حریم حرمش، احکام و آداب حرم امامان معصوم (ع) می‌باشد؛ حضرت قمر بنی هاشم، ابوالفضل العباس (ع) می‌باشد.

مقام و مرقد حضرت ابوالفضل

مقام و مرقد حضرت ابوالفضل علم دار کربلا و یار باوفا و برادر فداکار امام حسین (علیه السلام) در سیصد متری شمال حرم آن حضرت قرار دارد؛ یعنی جایی که حضرتش به شهادت رسید. از دیرباز به موازات توجه و عنایت به ساخت، توسعه و تزیین حرم امام حسین (علیه السلام) همواره به این مرقد مطهر نیز بذل توجه شده است. اگر چه نخستین بقعه و بنا و گنبد حرم را عضد الدوله، در قرن پنجم هجری ساخت اما از قرن های نخستین اسلامی به این مرقد توجه ویژه ای شده است. پس از بنای قبه و بارگاه توسط عضد الدوله، پادشاهان صفوی عنایت خاصی نسبت به این مکان مقدس داشتند و تحولات چشم گیری در بنا و سعی وافر در بازسازی آن به عمل آوردند.

و در قسمت شمال شرقی و جنوب شرقی صحن مطهر حضرت ابوالفضل (ع)، دو جایگاه است که گفته می‌شود: دست‌های مبارک آن حضرت، در این مکان، از تن جدا شده است.

اوصاف ظاهری و معنوی

ابوالفضل عباس از نظر ویژگی های ظاهری و جسمی، سرآمد جوانان بنی هاشم بود اما قدرت ظاهری و جسمی تنها، هرگز نمی تواند رمز موفقیت و عامل پیروزی و قهرمانی انسان بر سر دو راهی های زندگی باشد، بلکه هر انسانی نیاز شدید به اوصاف معنوی دیگری دارد که باید قبلاً در محیط خانواده و مراکز آموزشی به تدریج در وجود او شکوفا شود تا در مراحل سرنوشت ساز زندگی به یاریش بشتابد. وقتی در باره شخصیت حضرت ابوالفضل کاوش می کنیم، این اوصاف را به وضوح در وجود شریفش می بینیم. این شاخص های معنوی است که در شکل گیری شخصیت منحصر به فرد عباس، مهمترین و اساسی ترین نقش را بر عهده داشتند و در واقع قدرت بازو و نیروی جسمانی او را هدایت و فرماندهی کرده اند.

در اینجا به چند نمونه از این اوصاف را از لسان مبارک امام سجّاد و امام صادق (علیهما السلام) مرور می کنیم:

۱ - قال علی بن الحسین (علیه السلام): «رحم الله العباس، فلقد آثر و أبلي و فدي أخاه بنفسه حتّى قطعت يده فأبدله الله بهما جناحين، يطير بهما مع الملائكة في الجنة كما جعل لجعفر بن أبي طالب و إنّ للعباس عند الله تبارك و تعالی منزلة يغبطه بها جميع الشهداء يوم القيامة».^{۵۰}

۲ - قال الصادق (علیه السلام): «كَانَ عَمَّنَا عَبَّاسٌ، نَافِذُ الْبَصِيرَةِ، صَلَبَ الْإِيمَانِ، جَاهَدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبْلَى بِلَاءً حَسَنًا وَ مَضَى شَهِيدًا...»^{۵۱}

۳ - در زیارتنامه حضرت ابوالفضل که از قول امام صادق (علیه السلام) روایت شده، تعبیری بس بلند و والا به کار رفته است. به بخش هایی از آن، که در توصیف او است بسنده می کنیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ... أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَيَّ مَا مَضَى عَلَيْهِ [بِهِ] الْبَذْرِيُّونَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، الْمُنَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِ أَعْدَائِهِ، الْمُبَالِغُونَ فِي جِهَادِ نَصْرَةِ أَوْلِيَائِهِ، الذَّابُّونَ عَنْ أَحِبَّائِهِ... أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَالَغْتَ فِي النَّصِيحَةِ وَ أُعْطِيتَ غَايَةَ الْمَجْهُودِ... أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَ لَمْ تَنْكُلْ وَ أَنَّكَ قَدْ مَضَيْتَ عَلَيَّ بِصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ وَ مُتَّبِعًا لِلنَّبِيِّينَ...»^{۵۲}

۴ - در زیارت ناحیه مقدسه نیز از زبان مبارک حضرت مهدی (علیه السلام)، ابوالفضل این گونه توصیف شده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، الْمُوَاسِيَّ أَخَاهُ بِنَفْسِهِ، الْآخِذَ لِعَدِهِ مِنْ أَمْسِهِ، الْفَادِي لَهُ، الْوَاقِي السَّاعِي إِلَيْهِ بِمَائَةٍ، الْمُقْطُوعَةَ يَدَاهُ».^{۵۳}

از مجموع روایات و متون زیارتی، که در مورد حضرت ابوالفضل (علیه السلام) از ساحت مقدس معصومین (علیهم السلام) صادر شده است، به خوبی استفاده می شود، که این شخصیت بزرگ، دارای اوصاف برجسته انسانی؛ از جمله: ایمان راسخ، روشن بینی و تیزهوشی، مجاهدت در راه خدا، صبر

۵۰ . شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۳۳۳ .

۵۱ . وقعة الصف، ابی مخنف، ص ۱۷۵ .

۵۲ . شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، ج ۱، ص ۵۷۱ .

۵۳ . بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۶۶ .

در مصیبت ، ایثارگری وفا داری ، و جانبازی ، عبودیت و صلاح و رستگاری ، فرمانبرداری از خدا و رسول و ائمه(علیهم السلام) ، و... بود و تنها این اوصاف و فضایل اخلاقی توانست او را به اوج قله سر بلندی و سرافرازی و درجه رفیع شهادت برساند .

معاونت امور فرهنگی

مدیریت تأمین محصولات فرهنگی

نسیم ولایت (۸)

در محضر مبارک امامزاده سید محمد (علیه السلام)

ابو جعفر سید محمد فرزند امام هادی (علیه السلام) در ۵۰ کیلومتری جنوب سامراء و در شمال بغداد و نزدیک قریه ای به نام بلد^{۵۴} از نواحی دُجیل، بین راه بغداد و سامراء، دفن شده است. او، که از بزرگان و مبارزان عصر خود بود، در میان شیعیان و دوست داران اهل بیت به «سبع الدجیل»، شیر دجیل، معروف بود. سید محمد در ۲۲۸ سال ق، به دنیا آمد و در ۲۵۲ ق دو سال قبل از شهادت امام هادی (علیه السلام)، در حال سفر زیارتی خانه خدا در قریه بلد بیمار شد و از دنیا رفت و در همان جا خاك شد. از تاریخ بنای بقعه او اطلاعی در دست نیست و به نظر می رسد در دوران عضد الدوله دیلمی ساخته شده باشد^{۵۵}.

سید محمد، آنقدر عظیم الشأن بوده است؛ به طوری که شیعیان خیال می کردند او امام بعدی است. و یاران امام هادی (علیه السلام) نیز درباره امامت وی از امام سؤال می کردند، علی بن عمرو نوفلی می گوید: «همراه ابی الحسن (علیهما السلام)، در حیاط منزلشان بودیم که پسرش محمد از جلوی ما گذشت. گفتم: فدایت شوم! آیا امام ما بعد از شما این است؟ امام در جواب من فرمود: نه امام شما بعد از من حسن است.»^{۵۶} و امام هادی (علیه السلام) و فرزندش امام حسن عسکری (علیه السلام) همیشه به محمد بسیار ابراز علاقه می کردند.

سید محمد به جلالت شأن و بروز کرامات معروف است؛ عموم مردم به زیارتش می روند و نذرها و هدایای بسیار به آن جا می برند و به وسیله او از خدا حاجت می طلبند. اعراب آن منطقه، از آن بزرگوار حساب می برند و کرامات بسیاری از او نقل می کنند و نسبت به وی عقیده خاصی دارند؛ به همین سبب مردم آن سامان دعوای خود را با قسم خوردن به آن بزرگوار حل و فصل می کنند.

۵۴. قریه بلد امروزه در استان صلاح الدین واقع شده است. این قریه تا بغداد هشتاد کیلومتر فاصله دارد.

۵۵. دایرة المعارف تشیع، ۹۸/۱.

۵۶. الکافی، ج ۱، ص ۳۲۵.

ازکرامات سید محمد

کرامات زیادی از سید محمد دیده شده است. میرزا حسین نوری در «النجم الثاقب» می نویسد: «سید محمد، صاحب کرامات متواتر است. حتّی نزد اهل سنت هم معروف است. مردم عراق و حتی اعراب بادیه نشین نیز می ترسند به نام او سوگند یاد کنند. اگر آنها را به برداشتن مالی متهم کنند، آن را بر می گردانند، ولی به سید محمد قسم نمی خورند؛ زیرا عذاب آن را دیده اند.» در اینجا به نمونه ای از کرامات وی اشاره می شود: علامه سید میرزا هادی خراسانی از سید حسن آل خوجه از خدام آستانه عسکرین (علیهما السلام) نقل می کند:

«در صحن شریف ابی جعفر سید محمد نشسته بودم، متوجه شدم شخصی عرب در حالی که یکی از دستهایش را به گردن بسته بود، وارد آستانه شد. نزدیک رفتم و از علت مریضی اش پرسیدم. گفت: سال گذشته، روزی به منزل خواهرم رفتم، دیدم در حیاط، گوسفندی بسته است. خواستم ذبح کرده، بخورم. خواهرم اجازه نداد و گفت: این گوسفند نذر سید محمد است. من به حرف او توجه نکردم و آن را ذبح کردم، پس از سه روز آثار شلی در دستم نمایان شد و روز به روز بدتر شد. من متوجه علت آن نبودم، تا این که در این اواخر متوجه کار خود شدم، حالا هم پشیمانم و برای شفا به آستانه سید محمد آمده ام. سپس با همراهیان وارد حرم شد و شروع به گریه و زاری کردند. پس از ساعتی دیدم دستش را حرکت می دهد. سجده شکر به جا آورد و نذر کرد هر سال گوسفندی بیاورد و به نیت سید محمد ذبح کند.»^{۵۷}

معاونت امور فرهنگی

مدیریت تأمین محصولات فرهنگی